اخبار

ترجمه دومین کتاب مجموعه آرتور باندینی به چاپ دوم رسید

رمان «جاده لس‌آنجلس» نوشته جان فانته با ترجمه محمدرضا شکاری توسط نشر افق به چاپ دوم رسید.

رمان «جاده لس‌آنجلس» نوشته جان فانته با ترجمه محمدرضا شکاری به‌تازگی توسط نشر افق به چاپ دوم رسیده است. این‌کتاب دومین‌عنوانی است که نشر افق از مجموعه «فانته» چاپ کرده است.

جان فانته نویسنده آمریکایی این‌کتاب، متولد سال۱۹۰۹ و درگذشته به سال ۱۹۸۳ است. این‌کتاب او سال ۱۹۳۶ نوشته اما در سال ۱۹۸۵ منتشر شد. این‌کتاب یکی از چهار اثری است که جان فانته با محوریت شخصیت آرتور باندینی نوشته است. این‌شخصیت یک‌نویسنده ایتالیایی‌آمریکایی است. «جاده لس‌آنجلس» در واقع دومین جلدِ چهارگانه «باندینی» است و در آن، شخصیت بانَدینی در نوجوانی‌اش به تصویر کشیده می‌شود.

آرتور باندینی در «جاده لس‌آنجلس» شخصیتی سرکش و روحی ناآرام دارد و نمی‌تواند در یک‌شغل ثابت باقی بماند. علتش هم این است که آرزو دارد نویسنده شود. چارلز بوکوفسکی شاعر آمریکایی فانته را بسیار می‌ستود و عده‌ای از منتقدان ادبی هم «جاده لس‌آنجلس» فانته را شبیه رمان «هزارپیشه» بوکوفسکی دانسته‌اند.

«جاده لس‌آنجلس» در ۲۵ فصل نوشته شده است.

در قسمتی از این‌رمان می‌خوانیم:

خنده‌کنان گفتند: «خوب می‌شی.»

گفتند: «برو خونه. برو کتابت رو بنویس. ناسلامتی نویسنده‌ای. واسه کنسروسازی زیادی خوبی. برو خونه و درباره استفراغ کتاب بنویس.» قهقهه‌های بلند.

رفتم بیرون و دراز کشیدم روی یک کپه تور ماهیگیری که آفتاب گرمشان کرده بود و بین دو ساختمان قرار داشتند، دور از جاده اصلی که آبراه را دور می‌زد. صدای خنده‌شان را بلندتر از همهمه دم‌ودستگاه‌ها می‌شنیدم. اهمیتی ندادم، اصلا. دلم می‌خواست بخوابم. اما تورهای ماهیگیری مالی نبودند، بوی گند ماهی خال‌خالی و نمک می‌دادند. در عرض یک‌ثانیه، مگس‌ها پیدایم کردند. همین‌اوضاع را خراب‌تر کرد. کمی بعد تمام مگس‌های بندر لس‌آنجلس از حضورم باخبر شدند. از روی تورها خزیدم روی یک‌تکه‌زمین ماسه‌ای. فوق‌العاده بود. دست‌هایم را دراز کردم و اجازه دادم انگشت‌هایم نقاط خنک ماسه‌ها را پیدا کنند. هیچ‌وقت چیزی آن‌همه بهم حال نداده بود. حتی ذرات کوچک ماسه‌ای که نفسم آن‌ها را می‌راند، در بینی و دهانم شیرین بودند. سوسکی روی تپه‌ای ایستاد تا از این‌هیاهو سردربیاورد. در حالت عادی بدون معطلی می‌کشتمش. تو چشم‌هایم نگاه کرد، مکث کرد و جلو آمد. از چانه‌ام بالا رفت.

گفتم: «زود باش. برام مهم نیست. اگه بخوای می‌تونی توی دهنم هم بری.»

از چانه‌ام گذشت و حس کردم لب‌هایم را قلقلک داد. باید چشم‌هایم را چپ می‌کردم تا ببینمش. گفتم: «بیا جلو. من کاری به کارت ندارم. تعطیلاته.» به‌سمت سوراخ‌های بینی‌ام بالا رفت. بعد خوابم برد.

چاپ دوم این‌کتاب همراه با چاپ اولش، با ۲۱۶ صفحه، شمارگان ۵۵۰ نسخه و قیمت ۴۵ هزار تومان منتشر شده است.

خاطرات خودنوشت اسماعیل نادری از جنگ چاپ شد

کتاب خاطرات خودنوشت اسماعیل نادری از فرماندهان دوران دفاع مقدس توسط انتشارات سوره مهر منتشر و راهی بازار نشر شد.

کتاب «خاطرات نادری» شامل خاطرات خودنوشت اسماعیل نادری با کوشش مهدی علیمرادی در حوزه هنری استان مرکزی به‌تازگی توسط انتشارات سوره مهر منتشر و راهی بازار نشر شده است. اسماعیل نادری از فرماندهان مخلص دوران دفاع مقدس است که بخشی از خاطرات خود را به‌صورت روزنوشت گردآوری کرده‌بود. مهدی علیمرادی هم با خواندن این خاطرات شیفته نگارش زندگی‌نامه وی می‌شود و پس از مصاحبه و کسب اطلاعات بیشتر و بارها بازخوانی، اصلاح و بازنویسی، کتاب «خاطرات نادری» را سامان می‌دهد.

نویسنده در مقدمه کتاب درباره نحوه آشنایی با شخصیت راوی و شروع نگارش خاطرات وی، نوشته: به واسطه قلم زدن در فضای ادبیات داستانی و شعر، پایم به دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری حوزه هنری اراک باز شد. بی‌تجربه بودم و بی‌شناخت؛ اما مصاحبه گرفتم و کلاس رفتم و خواندم و خواندم. با شوق از مصاحبه‌هایم برای پدرم می‌گفتم و باب حرف زدنمان بیشتر می‌شد. یک روز بعد از صحبت‌های بسیاری که با مسئولان حوزه هنری داشتم به منزل آمدم و گفتم: «بابا، اسماعیل نادری را می‌شناسی؟» می‌شناخت، از رنگ و سوی چشم‌هایش، از بی‌واسطه چرخیدن سرش به سمتم می‌دانستم که می‌شناسد. حرف زدیم و فهمیدم پدرم و دایی دیگرم سرباز او بودند و عمویم هم در گردان او به شهادت رسیده است. کار به همین جا ختم نشد و هر بار که به یکی از اقوام می‌رسیدم از اسماعیل نادری می‌پرسیدم و بیشتر و بیشتر از او می‌فهمیدم. البته تمام این‌ها در مدت هفت هشت ماه قبل از این بود که خاطرات ایشان را لمس کنم. در تمام این مدت با شناخت نسبی که از ایشان به دست آورده بودم و می‌دانستم خودشان صاحب قلم در ادبیات پایداری هستند و با لمس کردن خاطرات بی‌شمار ایشان از جنگ، فهمیدم کار بسیار بسیار سختی پیش رو دارم. امروز بعد از گذشت حدود ۵ سال و بعد از ۱۵ بار تدوین و خوانش و ساعت‌ها مصاحبه و حضور در منزل ایشان کار به جایی رسیده است که آماده آشنایی بیشتر تمام هم‌نسلان من از اسماعیل نادری‌هاست.

راه‌اندازی پایگاه واکسیناسیون در پنج فرهنگ‌سرای شهر تهران

پنج فرهنگ‌سرای ملل، اشراق، خاوران، بهاران و رسانه به عنوان پایگاه واکسیناسیون کرونا مشغول خدمات‌رسانی به شهروندان هستند و تا کنون بیش از ۱۵۰ هزار دُز واکسن در این مراکز تزریق شده است.

به گزارش امتیاز، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران از ابتدای شیوع ویروس کرونا در ایران در اسفندماه ۱۳۹۸، بخش قابل توجهی از فعالیت‌های فرهنگی هنری خود را به فضای مجازی منتقل کرد و علاوه بر آن، با گسترش فعالیت‌های جهادی و مردمی، زمینه را برای کمک به کادر درمان و مدافعان سلامت فراهم کرد. راه‌اندازی قرارگاه جهادی حضرت زینب(س) در فرهنگ‌سرای خاوران یکی از این اقدامات بود که نیروهای داوطلب در آن به تولید ماسک و گان پزشکی پرداختند. به مرور قرارگاه چهارده معصوم(ع) فرهنگ‌سرای رضوان، قرارگاه شهید عبادی فرهنگ‌سرای اشراق و پردیس سینمایی رازی نیز کارگاه‌هایی برای تولید ماسک و گان راه‌اندازی کردند.

آغاز از دارالشهدای تهران

پس از آغاز واکسیناسیون کادر درمان در بهمن ۱۳۹۹، واکسیناسیون عمومی مردم نیز از اوایل سال ۱۴۰۰ آغاز شد. با افزایش تعداد پایگاه‌های واکسیناسیون، سازمان فرهنگی هنری نیز برای در اختیار قرار دادن مراکز فرهنگی شهر تهران اعلام آمادگی کرد. فرهنگ‌سرای سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی نخستین مرکز این سازمان بود که در روز ۲۷ اردیبهشت ماه با تزریق واکسن به پدران و مادران بالای ۷۵ سال شهدا فعالیتش را در زمینه واکسیناسیون آغاز کرد.

این پایگاه واکسیناسیون در مرکز همایش‌های سینما بهاران در جنوب غربی پایتخت واقع شده و هر روز از ساعت ۸ تا ۱۴ آماده تزریق واکسن به شهروندانی است که شرایط سنی اعلام شده توسط وزارت بهداشت را دارا باشند. این مرکز ۱۲ ایستگاه تزریق واکسن دارد و واکسن‌های سینوفارم و آسترازنکا در آن موجود است. روزانه حدود هزار تا هزار و ۵۰۰ دُز واکسن در پایگاه واکسیناسیون بهاران تزریق می‌شود و با تأمین تعداد بیشتر واکسن، این مرکز تا دو هزار دُز ظرفیت و آمادگی دارد.

تزریق بیش از ۸۰ هزار دُز واکسن در دو فرهنگ‌سرا

فرهنگ‌سرای ملل در منطقه ۱ تهران دومین مرکز سازمان فرهنگی هنری بود که فعالیت خود را به عنوان پایگاه واکسیناسیون کرونا آغاز کرد. این پایگاه در روز ۱۲ تیرماه آغاز به کار کرد و در حال حاضر از شنبه تا پنجشنبه از ساعت ۸ تا ۱۳:۳۰ پذیرای شهروندان است. پایگاه واکسیناسیون فرهنگ‌سرای ملل روزانه حدود هزار دُز واکسن تزریق می‌کند و هر سه واکسن سینوفارم، آسترازنکا و برکت در آن موجود است. تزریق واکسن در این مرکز هم بر اساس نوبت‌دهی سامانه وزارت بهداشت انجام می‌شود و تا کنون حدود ۶۰ هزار دُز واکسن کرونا در آن تزریق شده است. فرهنگ‌سرای اشراق در شرق تهران دیگر مرکزی بود که در ۱۶ مردادماه واکسیناسیون کرونا را آغاز کرد. این پایگاه واکسیناسیون شنبه تا پنجشنبه از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۷ و جمعه‌ها از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۲ فعالیت می‌کند و دو واکسن سینوفارم و برکت در آن تزریق می‌شود. افرادی که در سامانه وزارت بهداشت ثبت نام کرده‌اند، شرایط سنی تزریق واکسن را دارند و یا دانشجوی علوم پزشکی یا بیمار خاص هستند، می‌توانند برای واکسیناسیون به این مرکز مراجعه کنند. همچنین پیش از این تعدادی از فرهنگیان و کارمندان بانک‌ها با هماهنگی منابع انسانی در این مرکز واکسن دریافت کرده‌اند. بیشترین رقم تزریق واکسن روزانه در فرهنگ‌سرای اشراق هزار و ۸۰۰ دُز بوده و تا ۱۲ شهریورماه در مجموع ۲۳ هزار و ۹۹۳ دُز واکسن در این مرکز تزریق شده است.

پیوستن بزرگ‌ترین فرهنگ‌سرای پایتخت به واکسیناسیون کرونا

فرهنگ‌سرای خاوران در جنوب شرقی تهران یکی از مراکزی است که تزریق واکسن در آن به تازگی و در دوم شهریورماه آغاز شده است. شهروندانی که در سامانه وزارت بهداشت ثبت نام کرده‌اند، هر روز از ساعت ۸ تا ۱۴ می‌توانند با مراجعه به این مرکز واکسن سینوفارم یا آسترازنکا را دریافت کنند. میزان تزریق روزانه در این مرکز حدود ۴۰۰ دُز است و تا کنون حدود پنج هزار دُز واکسن در آن تزریق شده است. فرهنگ‌سرای رسانه در منطقه ۳ تهران هم چند روزی است که به پایگاه‌های واکسیناسیون اضافه شده است. این مرکز شنبه تا پنجشنبه از ساعت ۸ تا ۱۴ فعالیت می‌کند و در آن تا کنون روزانه ۲۰۰ دُز واکسن به کارکنان آموزش و پرورش تزریق شده است. پایگاه واکسیناسیون فرهنگ‌سرای رسانه که در سالن ورزشی چندمنظوره واقع شده، ۱۰ باجه برای تزریق واکسن در اختیار دارد و در صورت تأمین واکسن، ظرفیت تزریق بیش از هزار دُز واکسن در روز را داراست. واکسیناسیون فرهنگیان منطقه ۳ در روز سه‌شنبه ۱۶ شهریورماه به پایان می‌رسد و پس از آن واکسیناسیون عمومی شهروندان بر اساس نوبت‌دهی سامانه وزارت بهداشت آغاز می‌شود.

در دیدار فیصل انورکاسترو با جعفر روناس مطرح شد؛

آمادگی وزارت فرهنگ پنجاب برای توسعه روابط فرهنگی با ایران

مشاور وزیر فرهنگ پنجاب پاکستان با حضور در خانه فرهنگ ایران در کاسترو آمادگی این وزارت را برای توسعه روابط فرهنگی با ایران اعلام کرد.

به نقل از خانه فرهنگ ایران در لاهور، ایالت پنجاب پاکستان با جمعیت بیش از ۱۱۰ میلیون نفر به عنوان مهمترین و پرجمعیت‌ترین ایالت پاکستان دارای اشتراکات زبانی و فرهنگی بسیاری با جمهوری اسلامی ایران است. فیصل انور کاسترو؛ مشاور وزیر فرهنگ پنجاب با حضور در خانه فرهنگ ایران در لاهور با جعفر روناس دیدار و درباره فرصت‌ها و ظرفیت‌های همکاری‌های مشترک فرهنگی به رایزنی پرداخت. مشاور وزیر فرهنگ پنجاب پاکستان در این گفت‌وگو ایران را از نظر تاریخی، مهد تمدن در منطقه دانست.

فیصل انورکاسترو به برنامه‌های فرهنگی دولت محلی ایالت پنجاب در دوران پساکرونا اشاره کرد و گفت: مردم ایالت پنجاب پاکستان «جشن بهاران» را که همان عید نوروز در ایران است به مناسبت آمدن بهار طبیعت به صورت آیین‌های ویژه‌ای برپا می‌دارند.

مشاور وزیر فرهنگ پنجاب همچنین علامه اقبال لاهوری را به دلیل سرودن اشعار فارسی با مضمون عارفانه و تاکید بر اتحاد بین المسلمین یک شخصیت مشترک و مورد احترام بین ایران و پاکستان برشمرد و افزود: وزارت فرهنگ پنجاب پاکستان آماده است در این زمینه با تولید فیلم و مستند و برگزاری کنفرانس‌های بین المللی با موضوعیت اقبال با ایران همکاری کند.

وی با بیان اینکه ایالت پنجاب مرکز عارفان و صوفیان در پاکستان است به اشتراکات مذهبی بین ایران و پاکستان پرداخت و گفت: ایران در زمینه تولید فیلم‌ها و مستندهای مذهبی بویژه زندگی اهل بیت(ع) و مکان‌های مقدس عتبات عالیات، فعالیت‌های چشمگیری دارد. در صورت وجود این نوع مستندها، فیلم‌ها و سریال‌ها به زبان اردو، زمینه را برای پخش آن در رسانه‌های تصویری در این ایالت از جمله شبکه ملی پاکستان فراهم خواهیم کرد.

جعفر روناس مسئول خانه فرهنگ ایران با اشاره به اشتراکات عمیق فرهنگی و زبانی بین ایران و پاکستان از جمله ایالت پنجاب گفت: جمهوری اسلامی ایران در زمینه تولید مستند و فیلم در عرصه بین المللی دارای جایگاه و شهرت ویژه‌ای است از این رو خانه فرهنگ لاهور آماده تبادل فیلم و سریال‌های ایرانی و همچنین مستندهای فرهنگی با دولت محلی ایالت پنجاب است.

وی ادامه داد که با توجه به سابقه طولانی و فعالیت های ماندگار بیشمار فرهنگی ایران در ایالت پنجاب، انتظار می‌رود وزارت فرهنگ امکانات و ظرفیت‌های مختلف همانند سالن‌های نمایشگاهی، سینمایی و اماکن باستانی آن وزارتخانه را برای معرفی فرهنگ دو کشور در اختیار خانه فرهنگ؛ قدیمی‌ترین و اولین نهاد خارجی فرهنگی قرار دهد.

در این نشست دو طرف بر تهیه و تبادل تقویم مناسبت‌های فرهنگی و همچنین فهرست فیلم‌های مستند ساخته شده در ایران با زیرنویس یا دوبله اردو توافق کردند.

وزارت فرهنگ ایالت پنجاب پاکستان دارای سه ایستگاه رادیویی محلی است و موسسه زبان و فرهنگ پنجاب و شورای هنری در شهر لاهور و شش منطقه ایالت پنجاب از زیر مجموعه‌های این وزارتخانه است. از وظایف اصلی این وزارتخانه، ترویج و حفظ فرهنگ و تمدن پنجابی در ایالت پنجاب است.

نقد یک شاعر آئینی بر محتوای کلیپ دهه‌هشتادی‌ها

سنگری فتح شده یا نه!؟

برخی از دوستان دغدغه مند می‌خواهند برای نسل جدید محصولات فرهنگی تولید کنند. خدا خیرشان بدهد! اما تازه بحث آغاز می‌شود: مبارزه فرهنگی با ابزار فرهنگی چگونه است؟ مهدی زنگنه شاعر آئینی در نقدی نسبت به کلیپ «دهه هشتادیا» اینگونه عنوان کرد که آیا این اثر برای نسل نوجوانی که مخاطب اصلی آن است، تأثیرگذار است یا خیر؟ آسیب‌ها و آفت‌های فرهنگی چنین محصولاتی بیشتر است یا ثمرات و دست آوردهایش؟

در ادامه، متن کامل نقد ایشان را بخوانید:

بسم الله الرحمن الرحیم

خوشحال نباشید! سنگری فتح نشده است!

چند روزی است نماهنگی به نام دهه هشتادیا با حمایت مؤسسه ماوا در فضای مجازی منتشر شده است. اکثر دست اندرکاران این اثر یا از دوستان قدیمی اند یا عزیزانی که با یکدیگر سابقه همکاری داریم. نگارنده به صداقت و دغدغه مندی ایشان شهادت می‌دهد؛ لکن آیا این اثر برای نسل نوجوانی که مخاطب اصلی آن است، تأثیرگذار است یا خیر؟ آسیب‌ها و آفت‌های فرهنگی چنین محصولاتی بیشتر است یا ثمرات و دست آوردهایش؟

چند سال پیش در حضور چند تن از متولیان فرهنگی گفتم: « بسیاری از جوانان و نوجوانان نسل جدید حتی اسم چهارده معصوم را نمی‌دانند! « باورشان نشد! اما بارها و بارها از نوجوانان بدنه ی جامعه خواسته ام امامان شیعه را نام ببرند، و در اغلب مواقع با سردرگمی شأن مواجه شده ام!

این یک واقعیت اجتماعی و فرهنگی است که جمهوری اسلامی در انتقال مفاهیم و گفتمان اصلی خود به نسل‌های بعد از انقلاب، نه تنها موفق نبوده بلکه اصلاً تلاشی نکرده است! متولدین دهه‌های هفتاد و هشتاد به هیچ وجه با بدیهیات فکری و فرهنگی دهه‌های پیشین آشنا نیستند! حالا اگر عده‌ای دلسوز می‌خواهند قدمی بردارند چه باید کنند؟

در طول سال‌های پس از انقلاب صاحبان تفکر واپس گرایانه و ساده انگارانه ای خیال می‌کردند با ممنوعیت ویدئو و پس از آن ماهواره، تهاجم فرهنگی خنثی می‌شود! اما نشد! هنوز هم عده‌ای بر این باورند که با فیلترینگ مسئله حل می‌شود، غافل از آن که فقط دارند صورت مسئله را پاک می‌کنند! مبارزه با تهاجم فرهنگی با سلاح فرهنگی میسر است نه ابزاری دیگر!

برخی از دوستان دغدغه مند این را فهمیده اند و می‌خواهند برای نسل جدید محصولات فرهنگی تولید کنند. خدا خیرشان بدهد! اما تازه بحث آغاز می‌شود: مبارزه فرهنگی با ابزار فرهنگی چگونه است؟

برای این که به جوان و نوجوان امروزی بگوییم دیدن فیلم پورن برای تو ضرر دارد، چه باید کرد؟ آیا برویم سراغ یک ستاره‌ی فیلم‌های پورن، به ایران دعوتش کنیم، او را با روسری و چادر روی صندلی «ماه عسل» یا «هزار داستان» بنشانیم و سرگذشتش را بپرسیم؟ آیا با این کار در حوزه‌ی فرهنگ گل کاشته ایم؟ متأسفانه سقف پرواز عده‌ای از دوستان در همین حدود است!

اگر می‌خواهیم برای موسیقی «ساسی مانکن» جایگزینی معرفی کنیم تا روی نسل نوجوان و جوان اثرگذار باشد، چه می‌کنیم؟ بدبختانه عده‌ای فکر می‌کنند با خلق چهارتا سلبریتی مذهبی که مداحی را با تنظیم‌های استودیویی تلفیق کنند، و اشعاری عوامانه با ضرباهنگ‌های همان جنس ساسی مانکنی راهی فضای مجازی کنند، خون بر شمشیر پیروز شده است!!!

درک ناقص از مقولات فرهنگی، در کنار دغدغه‌های اجتماعی، ما را به سوی ادبیات رسانه‌ای سخیف هدایت می‌کند. ادبیاتی که سطح شعور و سلیقه‌ی مخاطب را اعتلا نمی بخشد بلکه خودش را تنزل می‌دهد تا به خیال خام خویش اثر اندکی به جا گذارد.

همین نگاه موجب می‌شود که دکتر سید بشیر حسینی که اتفاقاً مشاور نماهنگ «دهه هشتادیا» ست، برای جذب جوانان به قرائت قرآن می‌گوید: «هر کدام از آیه‌های قرآن به مثابه یک توئیت از سوی پروردگار است که با شأن نزولی نازل شده؛ همانطور که در رسانه‌های نوین مثل توئیتر بنا بر موضوعات روز توئیت تولید می‌شود، خدا هم بنابر اتفاقات مختلف آیه‌های کوتاهی به پیامبر نازل کرده است»

اختلال نماهنگ «دهه هشتادیا» صرفاً شعر ضعیف، یا شکل و شمایل بصری لاکچری اش نیست! اشکال در نوع نگاهی است که این اثر و آثار مشابه را حمایت و هدایت می‌کند. نگاهی که می‌خواهد برای نوجوانان امروزی محصول فرهنگی تولید کند اما نمی‌داند برای اصلاحات فرهنگی نباید در میدان حریف بازی کرد!

به گواه تاریخ مردم ایران در طول چهارده قرن گذشته عاشق و دلداده ی اهل بیت عصمت و طهارت بوده و هستند. خیلی‌ها فرق حضرت عباس (ع) و امام حسن (ع) را نمی‌دانند، اما برای سفر به کربلا سر و دست می‌شکنند! خیلی‌ها تفاوتی میان حضرت زهرا (ع) و حضرت زینب (ع) قائل نیستند اما اگر روضه‌های هرکدام از ذوات مقدسه را بشنوند، اشک می‌ریزند! اتفاقاً مسئله‌ی امروز جامعه ما، این نیست که جوانان و نوجوانان را با اهل بیت آشتی بدهیم، چون خیلی از مردم ما، ندانسته و ندیده عاشق ایشان بوده و هستند!

برادران عزیز! کار فرهنگی این نیست! با استفاده از واژگان «سوتی» و «خفن» و «پروفایل اینستا» کسی به سوی بساط امام حسین (ع) نمی‌آید! این نوع نگاه فقط و فقط مُهر تأییدی به نارسایی‌های فرهنگی مان می‌زند! نارسایی‌هایی که شما باعث و بانی اش نبودید! اما با این کار ناخواسته روی آنها سرپوش می‌گذارید! فهرست تولیدات فرهنگی مدیران نالایق و ناآگاه را تطهیر می‌کنید! سال‌ها از پیروزی انقلاب می‌گذرد، اما هیچ فیلم و سریال قابل اعتنایی درباره مفهوم حیا و حجاب ساخته نشده است! سال‌ها از پایان جنگ تحمیلی می‌گذرد اما هیچ اثر زیبایی درباره فداکاری و ایثار خلق نشده است! نسلی که پای «کال آف دیوتی» و «جی تی ای» بزرگ شده، چه زمانی باید مفهوم از خودگذشتگی را زندگی کند؟ اختلالات فرهنگی ما، فراتر از این حرف هاست!

دوستان گرامی! سنگرهای فراوان دیگری وجود دارد که هنوز قدم‌های هیچ سربازی را لمس نکرده است! سنگر امام حسین (ع) همیشه پُر از سرباز است.

«ساعت جزر و مد» و آشنایی ایرانیان با نویسندگان زن ژاپنی

کتاب «ساعت جزر و مد: داستان‌های نویسندگان زن ژاپن» با ترجمه زهره خلیلی با شمارگان هزار نسخه، ۴۳۰ صفحه و بهای ۶۵ هزار تومان توسط نشر هنوز روانه کتابفروشی‌ها شده است.

این مجموعه منتخبی است از داستان‌های زنان نویسنده ژاپنی در قرن اخیر و هدف از گردآوری آن نشان دادن جایگاه زنان نویسنده در مسیر پیشرفت تاریخی ژاپن تا عصر مدرن و مشارکت آنان در شکل گیری ادبیات این کشور است. این داستان‌ها تغییر در آگاهی، طرز تفکر و سبک زنان نویسنده را در عصر پرآشوب جنگ نشان می‌دهد که به اشغال، گذار به دموکراسی و رشد سریع منجر شده است.

در این کتاب گزیده‌ای از آثار سال‌های ۱۸۹۵ تا ۲۰۰۸ آمده است: چهار داستان مربوط به پیش از ۱۹۳۴ و ۶ داستان مربوط به بعد از ۱۹۸۷. داستان‌ها مربوط به نویسندگانی از سراسر مجمع الجزایر ژاپن یعنی هکایدو، توکیو، یوکوهاما، ایسه، کوبه، اوساکا، اوکایاما، کوچی، ناگاساکی و اوکیناواست و متعلق به طیف‌های قومی، منطقه‌ای و طبقاتی متفاوت با سبک‌های نوشتاری متنوع از رسمی تا غیررسمی و از زبان استاندارد تا گویش محلی.

مضامین داستان‌ها نیز به همین نسبت متنوع است: مطالبی در مورد قومیت، بارداری، سقط جنین، زایمان، تجرد زنانه و تجرد مادرانه، روابط زناشویی مشکل‌دار، تعارض بین کار و خانواده، فروپاشی هویت و محبت پدر و دختر و از سوی دیگر مضامینی درباره میراث بمب اتمی، تنش اوکیناوایی‌ها و ژاپنی‌های سرزمین اصلی و تعارضات حاصل از تعصبات دینی و بدعت و سنت‌شکنی. روایت‌های این مجموعه شرح دشواری‌های زندگی قهرمانان داستان‌هاست و تغییرات فرهنگی و اجتماعی زنان ژاپن را در گذری صدساله به خوبی نشان می‌دهد. شباهت زندگی زنان ژاپنی و زنان ایرانی در این روایت‌ها این کتاب را برای خوانندگان جذاب می‌کند.

به استناد مقدمه کتاب برخی از نویسندگان داستان‌های این مجموعه زمانی که زبان باستانی رایج بوده به زبان نوشتاری جدید یا زبان محاوره‌ای نوشته‌اند و برخی از گویش‌های محلی استفاده کرده یا فضایی برای زبان‌های قومی خلق کرده‌اند تا بر حضور آنها در برابر زبان معیار پافشاری کنند. عده‌ای بلاغت و صور خیال را برتر از طرح و پی‌رنگ داستان شمرده‌اند و عده‌ای نیز به اصطلاحات قدیمی جانی تازه بخشیده‌اند.

سبک‌های ادبی، آواها و زبان نویسندگان این مجموعه به نحو چشمگیری متنوع است. زمانی که نویسندگان هنوز به زبان ماقبل مدرن ژاپن می‌نوشتند، ایچیو هیگوچی (نخستین داستان این کتاب به قلم اوست) روش‌هایی را ابداع کرد تا به صراحت از زبان محاوره‌ای دوران خود، خصوصا زبان کودکان و زنان بهره گیرد. توشیکو تامورا (دومین داستان این کتاب به قلم اوست) به شکلی منحصر به فرد سبکی سرسختانه و جنجالی برگزید تا زنان ناراضی و تعارض بین زنان و مردان را به تصویر بکشد. باقی نویسندگان زن نیز هرکدام به نحوی تاثیر چشمگیری بر ادبیات ژاپن گذاشته‌اند و حتی در نوشتن داستان‌هایی با مضامین سیاسی و تاریخی به عنوان مثال درباره رابطه ژاپنی‌ها با تایوانی‌ها و روابط بین چین و ژاپن، نیز زنان نویسنده پیشرو بوده‌اند.

اخبار

در کتاب جدید نشر مون مطرح شده است؛

حقایق پشت‌پرده اینستاگرام به روایت خبرنگار خبرگزاری بلومبرگ

کتاب «#بدون ـ فیلتر: اینستاگرام چگونه اینستاگرام شد» نوشته سارا فرایر و ترجمه رسول فیروزی و تهمینه نصراللهی توسط نشر مون منتشر شد.

نشر مون کتاب «#بدون ـ فیلتر: اینستاگرام چگونه اینستاگرام شد» نوشته سارا فرایر و ترجمه رسول فیروزی و تهمینه نصراللهی را با شمارگان هزار نسخه، ۳۹۷ صفحه و بهای ۸۹ هزار تومان منتشر کرد.

این کتاب به روایت نویسنده‌اش کوششی است برای نشان دادن آنچه در اینستاگرام رخ داد. در نهایت با مطالعه این کتاب می‌توان به این دانش رسید که تصمیم‌های شرکت‌های شبکه‌های اجتماعی تا چه حد می‌توانند بر کیفیت زندگی انسان‌ها تاثیر بگذارند.

سارا فرایر توانست با بنیان‌گذاران اینستاگرام و همچنین صدها نفر از کارکنان قدیمی و جدید اینستاگرام و کارکنان شرکت‌های رقیبش گفت‌وگوهایی را انجام دهد. کارکنان اینستاگرام هم بدون آگاهی مدیران شرکت، حرف‌های صریح خود را به نویسنده کتاب منتقل کرده و ریسک نقض توافق‌نامه‌های سخت‌گیرانه شرکت در زمینه افشا نکردن اطلاعات را که در زمان استخدام امضا کرده بودند، به جان خریدند.

البته نویسنده این کتاب را به صورت روایی و از زاویه سوم شخص آگاه از همه اطلاعات نوشته و برای حفظ امنیت افرادی که اطلاعاتشان را در اختیار او گذاشته بودند، مستقیما به اینکه چه کسی کدام اطلاعات را در اختیارش قرار قرار داده، اشاره‌ای نکرده است.

در این کتاب به روایت ماجرای پشت پرده خریداری اینستاگرام توسط فیسبوک هم به تفصیل پرداخته شده است و حتی آن دسته از کارکنان اینستاگرام که پس از تغییر مالکیت این شرکت با زاکربرگ جلسه داشتند، متن گفت‌وگوهای خود با بنیانگذار فیسبوک را در اختیار سارا فرایر قرار دادند و او توانست به اطلاعات ذی‌قیمتی برای نگارش کتاب خود دسترسی پیدا کند.

کتاب ۱۳ فصل به ترتیب با این عناوین دارد: «اینفلوئنسر بزرگ»، «اسم رمز پروژه»، «آشوب موفقیت»، «غافل‌گیری»، «تابستان برزخی»، «سریع پیش بروید و همه چیز را فتح کنید»، «سلطه»، «سلبریتی جدید»، «پیگیری آنچه در اینستاگرام ارزشمند است»، «مسئله اسنپ چت»، «بلعیدن»، «خبرهای جعلی دیگر»، «مدیرعامل» و «هزینه تملک».

سارا فرایر گزارشگر فناوری بلومبرگ نیوز است. جوایزی گرفته و خبرهای دسته اولی که تهیه می‌کند باعث شده در زمینه تصمیمات تجاری فیسبوک، اینستاگرام، اسنپ چت و توییتر و تمام برنامه‌هایی که با تصمیماتشان بر آینده خود و جامعه جهانی تاثیر می‌گذارند، کارشناس شناخته شود و به شهرت برسد. فرایر با بلومبرگ بیزینس ویک و تلویزیون بلومبرگ همکاری مداوم دارد و در سانفرانسیسکو زندگی می‌کند.

چاپ نسخه تکمیلی خاطرات محمدجعفرمظاهری

کتاب «قرارگاه عبور» شامل خاطرات شفاهی حاج‌محمدجعفر مظاهری از دوران دفاع مقدس نوشته محسن صیفی‌کار توسط نشر ۲۷ منتشر و راهی بازار نشر شد.

کتاب «قرارگاه عبور» شامل خاطرات شفاهی حاج‌محمدجعفر مظاهری از دوران دفاع مقدس نوشته محسن صیفی‌کار به‌تازگی توسط نشر ۲۷ منتشر و راهی بازار نشر شده است. این‌کتاب سومین‌عنوان از مجموعه «خاطرات شفاهی» است که این‌ناشر چاپ می‌کند.

کتاب پیش‌رو دربرگیرنده خاطرات سردار جانباز، محمدجعفر مظاهری است که نویسنده اثر، پیش‌تر در سال ۱۳۸۶ کتاب «ده متری چشمان کمین» را از مقاطع کودکی، انقلاب، کردستان و دفاع مقدس زندگی این‌شخصیت منتشر کرده است. «ده متری چشمان کمین» پس از انتشار، تبدیل به منبع و مرجعی برای پژوهشگران و علاقه‌مندان مستندات رزمندگان همدانی دفاع مقدس شد و پس از ۱۳ سال از چاپ آن، نویسنده و راوی کتاب، همکاری دیگری را در کتاب «قرارگاه عبور» ثبت کردند؛ به این‌ترتیب که با موافقت مظاهری، کتاب «ده متری چشمان کمین» با ویرایشی جدید و نگاهی دیگر منتشر شود. «قرارگاه عبور» مطالب بیشتری نسبت به «ده‌متری چشمان کمین» دارد و برای چاپش، مصاحبه‌های تکمیلی با راوی انجام شده است. در این‌کتاب از شهدایی چون حاج‌قاسم سلیمانی، حاج‌حسین همدانی، علی‌رضا خزاعی، تقی بهمنی، مهدی فریدی، ناصر قاسمی و ... گفته شده است. این‌کتاب ۲۲ فصل دارد که عناوین‌شان به‌ترتیب عبارت است از: «در جست‌وجوی حقیقت»، «این صدای انقلاب است»، «گروه بی‌کلاه‌ها»، «نقاب افتاد!»، «کمین مجاهد»، «کربلای ۱۱ شهریور»، «تیغه‌های تنگ کورک»، «در دامن قراویز»، «خاکریز ابرویی»، «گردان‌ها گم شدند!»، «اولین ماموریت اولین مقر»، «گلوله‌های رسام»، «شلاق سرما در بشگان»، «چشمانِ کمین»، «جنگ آب»، «بر یال میمک»، «خط اُحد»، «امشب شب عاشوراست!»، «قرارگاه عبور»، «کاملا محرمانه»، «معجزه امام» و «تنگه مرصاد».

در قسمتی از این‌کتاب می‌خوانیم: میرزا محمد سلگی، با قرارگاه تیپ تماس گرفت و باعجله تمام، قضیه را گفت. ما هم سریع با همه گردان‌ها و یگان‌های مجاور تماس گرفتیم و همه به اتفاق، اعلام آمادگی کردند. در این‌شرایط بغرنج، همدانی زودتر از موعد مشخص، حدود ساعت ۱۱ شب، به جای قرارگاه، رمز عملیات (یا فاطمه‌الزهرا (س)) را گفت و دستور عملیات را صادر کرد.

این‌کتاب با ۳۰۴ صفحه، شمارگان هزار نسخه و قیمت ۴۵ هزار تومان منتشر شده است.